

تظاهرات ایرانیان در پاریس

به مناسبت انقلاب 1357 و برقراری حکومت اسلامی



در روز شنبه 11 فوریه 2023، 22 بهمن 1401، تظاهراتی در یک میدان مرکزی شهر پاریس، میدان ووبان، با شعار زن زندگی آزادی و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ایران و با خواست قرار دادن سپاه پاسداران در لیست سازمان‌های تروریستی اتحادیه اروپا... با شرکت قریب به 5000 نفر برگزار شد. برخی از تظاهرکنندگان از بلژیک، آلمان و غیره آمده بودند،

دو نماینده فرانسوی پارلمان اروپا؛ یانیک ژادو از حزب سبزی فرانسه و کاندیدای ریاست جمهوری در انتخابات اخیر این کشور و رافائل گلوکسمان از سازمان پلاس پوبلیک (میدان عموم)، در تریبون

صحت کردند. آنها در دفاع از خیزش انقلابی مردم ایران علیه حکومت اسلام‌گرا و در حمایت از تروریستی خواندن سپاه پاسداران توسط اتحادیه اروپا، از دولتهای دموکراتیک غربی خواستند که روابط دیپلماتیک خود را با رژیم جمهوری اسلامی ایران به سطح کاردار رسانند.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران در پاریس، به روال همیشگی شرکت خود در تظاهرات ایرانیان آزادیخواه در خارج از کشور، در این گردهمایی حضور داشت و در زیر شعارهای ایجابی:

نه به دیکتاتوری! آری به دموکراسی!

نه به دین سالاری! آری به لائیسیته!

نه به پادشاهی! آری به جمهوری!

همبستگی خود را با خیزش انقلابی مردم ایران اعلام نمود

در زیر ویدئوها و عکس‌های این تظاهرات را مشاهده می‌کنید

















به مناسبت انقلاب 1357 ایران



بیانیه‌ی مشترک سه نهاد جمهوری‌خواه، دموکرات و لائیک

انقلاب ۱۳۵۷ اثر دو گانه‌ای در تاریخ ایران از خود به جای گذاشته است؛ از یک سو بساط حاکمیت استبدادی شاهنشاهی را درهم پیچید و از سوی دیگر حاکمیت استبداد اسلامی را بر کشور جایگزین کرد. تصور میرفت با برچیده شدن نظام شاهنشاهی آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی برقرار و کشور در مسیر پیشرفت و ترقی، توأم با آزادی، قرار گیرد. اما دیری نپائید که جامعه خود را اسیر بازوی دیگر استبداد یعنی سلطه و حاکمیت استبدادی و خودکامه‌ی روحانیت دید. بزودی روشن شد هنوز یک نیروی پر قدرت دیگر، که ریشه در تاریخ کشور دارد سر راه آنان در جهت تحقق خواسته‌ها و ارمان‌های خود قرار دارد. بدین ترتیب نیروهای سیاسی و آزادیخواهان از همان ابتدا با سرکوب شدید حاکمان جدید روبرو شدند.

بی شک جایگزینی استبداد پادشاهی با حاکمیت دینی لکه سیاهی و اشتباهی در تاریخ کشورمان ایران است زیرا نفس حاکمیت ملی را به زباله دان استبداد، بی‌عدالتی، فساد، دزدی، خیانت و ناامنی برد. ژرفای نگون بختی ملی را هنگامی درمی یابیم که میبینیم به جای آزادی، استقلال، حاکمیت قانون، دموکراسی و حقوق شهروندی که از اهداف انقلاب مشروطیت بودند، استبداد دینی و ارتجاع مشروعه شیخ فضل الله نوری برکشورمان استیلا پیدا کرد. در طی این سالها بهترین جوانان وطن را به کام نیستی برده، محیط زیست را ویران و ثروت‌های ملی و سرمایه‌های انسانی را از بین برده‌اند.

ما سه نهاد جمهوری خواه دموکرات و لائیک بر این باوریم که مردمان کشورمان توانایی و شایستگی آن را دارند که از تجربیات

تلخ دوران دیکتاتوری پهلوی و صدمات مهلک استیلای شوم و تام گرای اسلامی بهره گرفته و در راستای ارزش های برخاسته از خیزش انقلابی زن، زندگی، آزادی، به جمهوری ای آزاد، دموکراتیک، لائیک و مستقل دست یابند.

- اندیشکده آگاهی و شناخت
- حزب جمهوری خواه سوسیال دموکرات و لائیک ایران
- جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران

۱۲ فوریه ۲۰۲۳ برابر با ۲۳ بهمن ۱۴۰۱

روز بسیج فراملی در حمایت از مردم ایران



در ایران با چند برابر شدن احکام اعدام سرکوب یک گام دیگر به جلو برداشته است.

از زمان مرگ ژینا مهسا امینی، امواج خشم دانشجویان، زنان (که اینک بدون حجاب در ملا عام ظاهر می شوند)، مزدبگیران و... که از حمایت اکثریت قریب به اتفاق مردم برخوردارند، کل کشور را فراگرفته است.

سرکوب تظاهرکنندگان توأم با خون ریزی است. در ایران خواست تشکیل اتحادیه های کارگری، تظاهرات، اعتصاب و یا ابراز عقاید و

باورهای ای که موجب نارضایتی حکومت باشد، جرم و جنایت تلقی می شوند و حکومت آن ها را با اعمال همه جانبه ضرب و شتم، شکنجه، حبس های بسیار سنگین و اعدام های خودسرانه، مجازات می کند. این روش های سرکوبگرانه غیرقابل قبول اند.

هدف حکومت از تشدید سرکوب ایجاد جو رعب و وحشت به منظور ترساندن همه زنان و مردانی است که برای خواسته های عادلانه مبارزه می کنند. اما سرکوب ها عزم راسخ مردم ایران را تضعیف نمی کند، آنان تا سقوط رژیم به مبارزات خود ادامه می دهند و در عین حال مخالفت خود از بازگشت احتمالی سلطنت را هم ابراز می دارند.

در کشورهای مختلف (از جمله بریتانیا، دانمارک، نروژ، سوئد، کانادا...)، جنبشهای حمایتی شکل گرفته اند. کلکتیوها و اتحادیه های کارگری به طور منظم کارزارها و اقدامات حمایتی از جمله تظاهرات را سازماندهی می کنند.

در مواجهه با تشدید سرکوب، اتحادیه های کارگری، کلکتیوها و دیگر جنبشها در کشورهای مذکور تصمیم گرفته اند به منظور یک کارزار فراملی، مشترکاً برای روز چهارشنبه ۸ فوریه فراخوان دهند.

بدین منظور در فرانسه هم کلکتیو سندیکایی ایران همه را برای به یک تجمع اعتراضی در برابر سفارت ایران در پاریس فرامی خواند:

(place Iéna, Paris 16^{ème} (métro Iéna

mercredi 8 février à 18h

در حمایت از مبارزات زنان و مردان ایرانی، کلکتیو سندیکایی هم چنین قصد دارد در این روز سفارت ایران را به ویژه در مورد سرنوشت سندیکالیست های زندانی مورد خطاب قرار دهد.

کلکتیو سندیکایی فرانسوی پا به پای زنان و مردان ایرانی تلاش می کند تا آرمانهای بر حق آنان برای آزادی و دموکراسی به واقعیت تبدیل شود.

پاریس، ۱ فوریه ۲۰۲۳

کنفدراسیون فرانسوی دموکراتیک کار (س اف د ت)

کنفدراسیون عمومی کار (س ژ ت)

فدراسیون سندیکائی متحد (ا ف ا س او - فرهنگیان)

اتحادیه سندیکائی برای همبستگی (سولیدر)

اتحادیه ملی سندیکاهای مستقل (اونسا)

تظاهرات در همبستگی با خیزش انقلابی 1401



MARCHE
Rallye européen
— en solidarité avec l'Iran —
dans plus de 20 villes pour inclure IRGC dans la liste des
organisations terroristes de l'Union européenne

Paris, France
De la place de Bastille à L'Hôtel de Ville

Dimanche **22 Jan.** 15h00-18h00

Femme azadi - Azadi 4 Iran - Neda D'Iran - Action 4 iran
Queers and feminists for Iran liberation

یکشنبه ۲۲ ژانویه ۲۰۲۳ در پاریس،
از میدان باستیل تا شهرداری مرکزی پایتخت، از ساعت ۱۵ تا ۱۸،
تظاهراتی در همبستگی با خیزش اعتراضی مردم ایران برگزار شد.

این راه پیمایی به دعوت و با فراخوان انجمن های فرانسوی - ایرانی زیر انجام گرفت:

Femme azadi

Azadi 4 Iran

Neda d'Iran

Action 4 Iran

Queers and feminists for Iran liberation

افزون بر شعارهای کلاسیک همیشگی چون:

زن زندگی آزادی، نابودی دیکتاتوری در ایران، نابودی کلیت نظام
جمهوری اسلامی ایران، آزادی زندانیان سیاسی، محکوم کردن اعدام ها...

و پخش آواز «برای...» و ...

در این تظاهرات، به ویژه بر خواست تروریستی خواندن سپاه پاسداران جمهوری اسلامی توسط شورای اتحادیه اروپا تأکید شد. این شورا روز دوشنبه ۲۳م ژانویه اجلاس خود را تشکیل می دهد و قرار است در پی قطعنامه پارلمان اتحادیه اروپا مبنی بر قرار دادن سپاه پاسداران در فهرست سازمان های تروریستی اظهار نظر کند.

نکته مهم دیگر: در این تظاهرات همانند راه پیمایی های پیشین برنامه ریزی شده توسط انجمن های نام برده در بالا، یک شعار مرکز بهمواره داده می شود:

آزادی، دموکراسی و لائیسیته برای ایران.

به دو زبان فارسی و فرانسه پشت بلندگو و توسط تظاهرکنندگان.

جنبش جمهوری خواهان دموکرات و لائیک ایران، در پاریس، به روال همیشگی خود، در این تظاهرات شرکت کرد

و در زیر بانر خاص خود:
نه به دیکتاتوری! آری به دموکراسی!
نه به دین سالاری! آری به لائیسیته!
نه به پادشاهی! آری به جمهوری!
همبستگی خود را با خیزش انقلابی مردم ایران اعلام نمود

ویدئوی تظاهرات

ایران: همبستگی با خیزش «زن،
زندگی، آزادی»، نه به اعدام
ها!

بیانیهی تعدادی از کنشگران سیاسی، سندیکایی،
دانشگاهی، فرهنگی، هنری... فرانسوی و ایرانی

در همبستگی با خیزش مردم ایران

20 ژانویه 2023

انتشار در رسانه مدیاپارت - فرانسه

از زمان قتل ژینا - مهسا امینی به دست مأموران "گشت ارشاد" در
16 سپتامبر 2022 (۲۵ شهریور ۱۴۰۱)، ایران شاهد چنان خیزش
مردمی بی نظیر از نظر گستردگی، ژرفا و تداوم بوده است که
جمهوری اسلامی ایران را به لرزه در آورده است. در کم تر از 48

ساعت، شعار «زن، زندگی، آزادی» سراسر کشور و سپس تمام جهان را فراگرفت.

مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران به راه افتاده است!

به سرعت در همه جا، شعارهای دیگری نظیر «مرگ بر دیکاتور»، «مرگ بر ستمگر چه شاه شاه چه رهبر»، «نان، کار، آزادی»، «فقر، فساد، گرانی، می ریم تا سرنگونی» را فریاد زدند.

این جنبش اعتراضی بنیادی همه زنان، جوانان، اقلیت های ملی، زنان و مردان کارگر شاغل و بیکار را با هدف طرد کامل این رژیم مذهبی، زن ستیز و تا بن استخوان فاسد، متحد کرده است. خیزش کنونی کماکان پایدار است و بیش از 160 شهر بزرگ و کوچک را در بر گرفته است. در ایران، کشوری با بیش از 50 درصد جمعیت زیر خط فقر و بی بهره از ابتدائی ترین حقوق دموکراتیک و اجتماعی، مردم خواهان سرنگونی کل نظام هستند.

در بخش های مختلف، فراخوان به اعتصاب عمدتاً از سوی معلمان، دانشگاهیان، کارکنان پتروشیمی، صنایع فولاد اصفهان، شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، رانندگان کامیون ... رو به افزایش است. اعتصاب کنندگان اخراج، دستگیر و شکنجه می شوند.

سرکوب وحشیانه و بی حد و مرز

در اثر این سرکوب ها تا به امروز بیش از 500 نفر، از جمله 69 کودک و نوجوان کشته شده و هزاران تن دیگر مجروح شده، 19000 نفر زندانی، ناپدید و یا ربوده شده اند. سپاه پاسداران در کردستان ایران و سیستان و بلوچستان جنگی خونین علیه مردم به پا خاسته به راه انداخته اند. در شهرهای کردستان حکومت نظامی اعلام نشده برقرار شده است.

خشونت این رژیم جنایتکار حد و مرزی ندارد. گزارش های بسیاری از وحشیگری بی سابقه در زندان ها به منظور در هم شکستن اراده زندانیان حکایت دارند. زنان و مردان زندانی را شکنجه می کنند، تا آستانه مرگ کتک می زنند و به آن ها تجاوز جنسی می کنند.

قوه قضائیه به منظور ایجاد جو رعب و وحشت و با هدف پایان دادن به اعتراضات، تظاهرکنندگان را به اشد مجازات محکوم می کند. به

رغم این وحشیگری ها، از دامنه مبارزات مردم کاسته نشده است. دانشجویان، جوانان، زنان و کارگران، هنرمندان و روزنامه نگاران هم چنان رژیم را به چالش می کشند و حکومت تصمیم به تشدید سرکوب ها گرفته است.

افزایش احکام اعدام

دستکم 65 جوان (از جمله 11 زن و 5 کودک) صرفاً به خاطر تظاهرات، به «محاربه با خدا» و «فساد فی الارض» قیام یا قتل متهم شده اند. قوه قضائیه با برقراری محاکمه های فرمایشی که متهمین از داشتن کم ترین حق دفاع محرومند، بر صدور احکام اعدام افزوده است.

حکومت اسلامی پس از اعدام محسن شکاری و مجید رضا رهنورد در 8 و 12 دسامبر گذشته، در روز 7 ژانویه 2023 سید محمد حسینی و محمدمهدی کرمی را به دار آویخت. جرم آنان این بود که جسارت کرده بودند که خشم خود در پی قتل ژینا - مهسا امینی در تهران و حدیث نجفی در کرج ابراز کنند. نگرانی ها از سرنوشت افرادی که در زندان های مخوف ایران و در راهروهای مرگ به سر می برند و به طور کلی درباره همه زندانیان افزایش یافته است.

خلق های ایران باید بر سرنوشت خویش حاکم باشند.

در چنین اوضاعی و در مواجهه با شبخ یک انقلاب سیاسی و اجتماعی در ایران، سران قدرت های بزرگ، کم و بیش با احتیاط و یواشکی، برای ایجاد یک شورای گذار متشکل از کلیه جریان های اپوزیسیون راست ایرانی از جمله سلطنت طلب ها تلاش می کنند. این جریان ها، لیبرال به لحاظ سیاسی و اقتدارگرا به لحاظ سیاسی، در نقطه مقابل پویائی مبارزاتی و آرمان های اجتماعی و دموکراتیکی که در درون کشور بیان می شود، حرکت می کنند.

از کودتای سال 1953 (۱۳۳۲) که توسط سازمان سیا و سرویس های مخفی بریتانیا علیه دولت مصدق و سیاست ملی کردن نفت سازمان داده شد، تا کنفرانس گوادلوپ در سال 1979 (۱۳۵۷) که در طی آن، سران دولت های فرانسه، آلمان، بریتانیا و ایالات متحده به خروج شاه از ایران شتاب داده و تصمیم به جایگزینی او با خمینی گرفتند، قدرت های بزرگ همواره در جهت منافع خود و برضد منافع خلق های ایران عمل کرده اند.

برخلاف راه حل های تحمیلی از خارج، ما همیشه از کارزار واقعی همبستگی بین المللی با همه زنان و مردانی که در ایران بسیج شده اند تا کار جمهوری اسلامی را یک سره کنند، پشتیبانی می کنیم.

سزاوار اراده و شجاعت مردم ایران باشیم

سرانجام خیزش جاری در ایران برای خلق های منطقه و جهان نیز تعیین کننده خواهد بود. لذا یاری رساندن به جنبش «زن، زندگی، آزادی» در چارچوب امکانات مان در جهت تحقق آرمان های رهایی بخش آن، از مسئولیت های ما محسوب می شود.

در واقعیت، ماشین سرکوبی به نام جمهوری اسلامی، بدون یک کارزار بین المللی و بدون بسیج نیرومند افکار جهانی درهم کوبیده نخواهد شد.

- ما خواهان توقف فوری محکومیت به اعدام، اجرای حکم اعدام و لغو مجازات اعدام هستیم.

- ما خواهان آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و سندیکائی، معلمان زندانی، دانشجویان زندانی، پرشکان زندانی، هنرمندان زندانی، فعالان و تظاهرکنندگان زندانی هستیم.

- ما خواهان تشکیل یک کمیته بین المللی متشکل از حقوقدانان، فعالان سندیکائی، روزنامه نگاران و سازمان های غیردولتی برای بررسی مستقل درباره بازداشتگاه ها و زندان های ایران هستیم.

- ما از مبارزه زنان برای حق تصمیم گیری درباره بدن شان پشتیبانی می کنیم. ما همراه با زنان خواستاریم که همه قوانین زن ستیزانه و نیز تبعیضات جنسی لغو شود.

- ما از حقوق اساسی و دموکراتیک زنان و مردان ایرانی، چه کرد و بلوچ، چه عرب و آذری، و لُر یا پارس پشتیبانی می کنیم.

- ما از مبارزه زنان و مردان کارگر ایران برای کرامت انسانی، حق دفاع از منافع خود از طریق اعتصاب و هم چنین ایجاد سندیکاها و سازمان های سیاسی پشتیبانی می کنیم.

- ما با تمام نیرو خواهانیم که کشورهای اروپایی، دارائی های فرماندهان و مقامات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و رهبران جمهوری اسلامی از جمله علی خامنه ای و اطرافیان اش را که 95 میلیارد

دلار تخمین می زنند، توقیف کنند. باید این ثروت را که از طریق چپاول منابع کشور، استثمار بی حد مزدبگیران، غارت و فساد به جیب زده اند، به مردم ایران باز گردانند.

- همان گونه که در مورد اولیگارش های روسیه عمل شد، ما خواستار توقیف اموال اولیگارش های ایرانی هستیم.

- ما خواهان لغو حفظ اسرار بانکی و بازرگانی در فرانسه، اروپا و همه کشورها هستیم تا بتوان ثروت انباشته رهبران جمهوری اسلامی، سپاه پاسداران و شرکت های وابسته به آنان را مسدود کرد.

- ما خواستار توقف هر نوع همکاری صنعتی، اقتصادی و دیپلماتیک با جمهوری اسلامی هستیم.

- ما امضاء کنندگان این تریبون آزاد، پشتیبانی کامل و همه جانبه خود را با زنان و مردانی که در ایران برای برابری، عدالت اجتماعی، دموکراسی و برضد قدرت اقتدارگر و خودکامه مبارزه می کنند، اعلام می کنیم.

ما با همه امکانات مان در کنار آن ها هستیم و تعهد می کنیم که در جهت همبستگی با خلق های ایران و تا پیروزی این شور انقلابی سرکوب نشدنی، هر ابتکار عملی را به کار بندیم.

امضاهای اولیه

1. Nicole ABRAVANEL, historienne EHESS
2. Gilbert ACHCAR, professeur SOAS Londres
3. Christophe AGUITON, militant altermondialiste
4. Mateo ALALUF, professeur émérite de l'Université Libre de Bruxelles
5. (Tassos ANASTASSIADIS, journaliste (Grèce
6. (Valério ARCARY, Direction Nationale du PSOL, (Brésil
7. Behrouz AREFI, Solidarité Socialiste avec les (Travailleurs en Iran (France
8. Rolando ASTARITA, professeur d'économie – Universidad Nacional des Quilmes (Argentine
9. Manon AUBRY, députée européenne LFI

Clémentine AUTAIN, députée de Seine-Saint-Denis	.10
Ludivine BANTIGNY, historienne	.11
Alain BARON, commission internationale de l'Union syndicale Solidaires	.12
Jean BATOU, professeur université de Lausanne	.13
Abraham BEHAR, médecin	.14
Emma BELLE, civilisationniste britannique, université Savoie Mont Blanc	.15
Olivier BESANCENOT, porte-parole du NPA	.16
Alain BIHR, professeur honoraire de sociologie Université de Bourgogne-Franche-Comté	.17
Sophie BINET, secrétaire générale de l'UFICT-CGT, membre du CE de la CGT, pilote du collectif femmes mixité	.18
! Jean-Jacques BOISLAROUSSIE, Ensemble	.19
Alexandra BOJANIC, secteur international de la FSU	.20
Manuel BOMPARD, député LFI des Bouches du Rhône	.21
Michel BONNIN, directeur d'études à l'EHSS, centre d'études sur la Chine moderne et contemporaine	.22
Nicolas Bouchaud, comédien	.23
Mickaël BOULOUX, Député d'Ille et Vilaine	.24
Alima BOUMEDIENE, avocate	.25
Tiago BRANQUINO, activiste culturel et politique, (syndicaliste, élu politique (Suisse	.26
Nicole BRENEZ, universitaire	.27
Michel BROUÉ, mathématicien	.28
David LIBREROS CAICEDO, professeur, Universidad Nacional de Colombia	.29
Raul CAMARGO FERNANDEZ (porte-parole d'Anticapitalistas (– État Espagnol	.30
(Ana CAMPOS, médecin (Portugal	.31
Robert CANTARELLA, metteur en scène	.32
(Daniel CERIOTTI, nutritionniste (Uruguay	.33
(Fernando CHARAMELLO, syndicaliste (Uruguay	.34
Claude CALAME, historien, directeur de recherche EHESS	.35
Salavatore CANNAVO, journaliste – Jacobin Italia	.36
Carmen CASTILLO, cinéaste	.37
Hélène CHANTEREAU, syndicaliste info'Com CGT et	.38

	militante à Aplutsoc	
	Lou CHESNE, porte-parole ATTAC	.39
	(Ramiro CHIMURIS, avocat et économiste (Uruguay	.40
Herbert CLAROS, secrétaire aux relations internationales		.41
	(de la CSP Consultas (Brésil	
Eliana COMO, syndicaliste, Comité de direction de la		.42
	CGIL	
(Jorge COSTA, Bloco de Esquerdo (Bloc de gauche Portugal		.43
	Pierre COUTAZ, secteur international de la CGT	.44
Léon CREMIEUX, syndicaliste aéronautique Solidaires		.45
	Joseph DAHER, universitaire	.46
(Christian DANDRES, conseiller national PS (Suisse		.47
Cybèle DAVID, Secrétaire nationale de l'Union syndicale		.48
	Solidaires, chargée de l'international	
	Sonia DAYAN-HERZBRUN, sociologue	.49
Sophie DESROSIERS, maitresse de conférence retraitée		.50
	EHESS	
	Bernard DREANO, président du CEDETIM	.51
	Valérie Dréville, comédienne	.52
	Penelope DUGGAN, editor International Viewpoint	.53
	Sabine ENDERS, militante ATTAC	.54
Behrouz FARAHANY, Solidarité Socialiste avec les		.55
	(Travailleurs en Iran (France	
Patrick FARBIAZ, PEPS (pour une écologie populaire et		.56
	(sociale	
	(Silvia FERRARO, conseillère de São Paulo, (Brésil	.57
Emmanuel FERNANDES Député de la 2 ^{ème} circonscription du		.58
	Bas-Rhin	
Nejat FEROUSE, conseiller confédéral à l'Espace		.59
	International de la CGT	
Marina FERRERUELA, suppléante et collaboratrice		.60
	parlementaire	
Berivan FIRAT, porte-parole des Relations extérieurs du		.61
	(Conseil Démocratique Kurde en France (CDK-F	
	(Téo FREI, militant de la grève climat (Suisse	.62
	(Gizelle FREITAS, Conseillère de Belém (Brésil	.63

Bernard FRIOT, économiste et sociologue du travail	.64
(Mario ROSSI GARRETANO, syndicaliste (Uruguay	.65
Franck GAUDICHAUD, historien université Jean Jaurès	.66
Toulouse	
Sigrid GERARDIN, secrétaire nationale en charge des	.67
droits des femmes de la FSU	
Paolo GILARDI, syndicaliste enseignant	.68
Liliane GIRAUDON, poétesse	.69
(Matheus GOMES, Député d'État, Rio Grande do Sul (Brésil	.70
(Alain GONTHIER, conseiller communal à Vevey (Suisse	.71
José María GONZALEZ, maire de la ville de Cádiz (État	.72
(Espagnol	
Sébastien GUEX, Professeur honoraire, Université de	.73
(Lausanne (Suisse	
Murielle GUILBERT, co-déléguée nationale de l'Union	.74
syndicale Solidaires	
Marie HOLZMAN, sinologue et militante des droits humains	.75
Jocelyne HALLER, députée Ensemble à gauche au grand	.76
(conseil (Genève	
(Ernesto HERRERA, journaliste (Uruguay	.77
Carolina IARA, co-représentante de l'État de São Paulo	.78
((Brésil	
Chantal JAQUET, philosophe, professeure à l'université	.79
Paris 1 Panthéon-Sorbonne	
Claire JOBIN, sociologue, militante de la grève	.80
(féministe (Suisse	
Samy JOHSUA, membre du Conseil scientifique d'ATTAC	.81
Leslie KAPLAN, écrivain	.82
Andy KERBRAT, député de Loire Atlantique	.83
Babak KIA, Solidarité Socialiste avec les Travailleurs	.84
(en Iran (France	
Aurore KOEHLIN, sociologue, militante féministe et	.85
anticapitaliste	
(Isabel KOIFMANN, syndicaliste (Uruguay	.86
Pierre KHALFA, économiste, Fondation Copernic	.87
Jacques KIRSNER, producteur et scénariste	.88
Nicolas KLOTZ, cinéaste	.89

,Hubert KRIVINE, physicien .90
 Dominique LABOURIER, comédienne .91
 Michel LANSON, professeur retraité .92
 Michel LAUVERS, historien université Côte d'Azur .93
 Michèle LECLERC-OLIVE, Professeur agrégée de .94
 mathématiques, sociologue. CNRS
 Olivier LE COUR GRAND MAISON, universitaire .95
 Charlotte LEDUC, députée LFI-NUPES de la .96
 3^e circonscription de Moselle
 (Irma LEITES, plenaria memoria y justicia (Uruguay .97
 Fred LEPLAT, Anticapitalist Resistance (Angleterre, Pays .98
 (de Galles
 Elodie LOPEZ, députée au Grand Conseil vaudois, Ensemble .99
 à Gauche, conseillère communale, décroissance
 alternatives
 Francisco LOUÇA, économiste, université de Lisbonne .100
 ((Portugal
 (Iza LOURENÇA, conseillère de Belo Horizonte (Brésil .101
 Mickael LOWY, directeur de recherche émérite au CNRS .102
 Christian MAHIEUX, réseau syndical international de .103
 solidarité et de luttes
 Jan MALEWSKI, journaliste, rédacteur d'Inprecor .104
 Gilles MANCERON, historien .105
 Pierre MARAGE, professeur émérite à l'Université Libre .106
 de Bruxelles
 Maguy MARIN, chorégraphe .107
 Gustave MASSIAH, CEDETIM .108
 (Sonia MEIRE, Conseillère d'Aracaju (Brésil .109
 (Omar MENONI, syndicaliste (Uruguay .110
 Roland MERIEUX, membre de l'équipe d'animation .111
 ! d'Ensemble
 (Silvia Fernandes MICHELI, enseignante (Uruguay .112
 Anwar MIR SATTARI, écologiste .113
 Mathilde MONNIER, chorégraphe .114
 Manuel AGUILA MORA, historien, université autonome de .115
 Mexico

Noel MOREL, relations extérieures, réseau plateforme .116
communiste libertaire
Mariana MORTAGUA, député au Parlement Portugais .117
Olivier NEVEUX, universitaire .118
Stanislas NORDEZ, directeur du Théâtre National de .119
Strasbourg
Paula NUNES, co-représentante de l'État de São Paulo .120
(Brésil
Françoise NYFFLER, militante de la grève féministe et .121
(députée d'Ensemble à Gauche (Suisse
Danièle OBONO, députée LFI de Paris .122
Solenn OCHSNER, syndicaliste, militante grève féministe .123
(et pour le climat (Suisse
(Andrés OLIVETTI, syndicaliste (Uruguay .124
Annick OSMOND, socio-anthropologue .125
Ugo PALHETA, sociologue .126
Mathilde PANOT, députée du Val de Marne, présidente du .127
groupe LFI à l'assemblée nationale
Ian PARKER, professeur Université de Manchester .128
(Angleterre
Olivier PARRIAUX, professeur émérite à l'université de .129
Lyon-Saint Etienne
Jaime PASTOR, politologue et directeur de la revue .130
(« Viento Sur » (État Espagnol
Roland PFEFFERKORN, sociologue, Université de Strasbourg .131
Elisabeth PERCEVAL, cinéaste .132
! Jean-François PELLISSIER, porte-parole d'Ensemble .133
Martyne PERROT, sociologue .134
Serge PEY, écrivain .135
Nicole PHELOUZAT, sociologue au CNRS .136
Boris PLAZZI, confédération CGT secrétaire confédéral .137
aux relations internationales
Christine POUPIN, porte-parole du NPA .138
Philippe POUTOU, porte-parole du NPA .139
Stéphanie PREZIOSO, députée au Conseil National, .140
(Ensemble à gauche (Suisse
Nadège PRUGNARD, autrice, comédienne, metteuse en scène .141

José Manuel PUREZA, professeur, Université de Coimbra	.142
((Portugal	
(Martine RAIS, médecin (Suisse	.143
(Rebeca RIELA, économiste (Uruguay	.144
Laurent RIPART, historien à l'université Savoie Mont	.145
Blanc	
Teresa RODRIGUEZ, ex députée et porte-parole de Adelante	.146
(Andalucía (État Espagnol	
(Ema Graciela ROMERO, avocate (Uruguay	.147
Pierre ROUSSET, internationaliste, directeur du journal	.148
en ligne ESSF	
Henri SAINT-JEAN, responsable associatif	.149
Sara SALEMI, Solidarité Socialiste avec les Travailleurs	.150
(en Iran (France	
Pauline SALINGUE, porte-parole du NPA	.151
Catherine SAMARY, économiste altermondialiste	.152
Mariana SANCHEZ, journaliste éditrice, militante au SNJ	.153
CGT et à Ensemble	
(Cobas SARDEGNA, UNICOBAS (Italie	.154
(Jacob SCHÄFER, syndicaliste (Allemagne	.155
Janick SCHAUFELBUEHL, Professeure associée Faculté des	.156
Sciences sociales et politiques Université de Lausanne	
((Suisse	
(Marc SCHLESSER, Décroissance Alternative (Suisse	.157
Houshang SEPEHR, éditeur du site Iran Echo – Solidarité	.158
(Socialiste avec les Travailleurs en Iran (France	
Yasmine SIBLOT, sociologue	.159
Omar SLAOUTI, enseignant, militant antiraciste, élu à	.160
Argenteuil	
Alda SOUSA, mathématicienne, Université de Porto	.161
((Portugal	
Claude STAZAN, CEDETIM	.162
(Isabelle STENGERS, philosophe (Belgique	.163
Quentin TALON, mathématicien, Conseiller communal à	.164
(Montreux (Suisse	
Daniel TANURO, auteur écosocialiste	.165
Imad TEMIZA, secrétaire du Palestinian Postal Service	.166

	(Workers Union (Palestine	
	Benoît TESTE, secrétaire général de la FSU	.167
Julien THERY, historien à l'université Louis Lumière		.168
	Lyon 2 et président du Média	
João TEIXERA LOPES, sociologue, Université de Porto		.169
	((Portugal	
	Sylvie TISSOT, sociologue	.170
Marc TOMCZAK, enseignant chercheur à l'université de		.171
	Lorraine	
Pascal TORRE, responsable adjoint du secteur		.172
	international du PCF	
Éric TOUSSAINT, politologue Universités de Liège et de		.173
Paris 8, membre du Conseil International du Forum Social		
	Mondial	
	Enzo TRAVERSO, historien	.174
Josette TRAT, universitaire, militante féministe		.175
	Anne TRISTAN	.176
Aurélie TROUVÉ, députée de Seine-Saint-Denis		.177
(Franco TURIGLIATTO, ancien sénateur (Italie		.178
Charles-André UDRY, économiste et directeur du site		.179
	(Alencontre (Suisse	
	(Mario UNDA, sociologue (Équateur	.180
	(Miguel URBAN, eurodéputé (État Espagnol	.181
Roseline VACHETTA, ancienne députée européenne – NPA		.182
Eleni VARIKAS, professeur émérite à l'université Paris 8		.183
	Christiane VOLLAIRE, Philosophe	.184
Léo WALTER Député des Alpes-de-Haute-Provence, groupe		.185
	parlementaire LFI-NUPES	
	(Thomas WEYTS, SAP – Anticapitaliste, (Belgique	.186
	Youlie YAMAMOTO, porte-parole d'ATTAC	.187
	(Erika DEUBER ZIEGLER, historienne de l'art (Suisse	.188
Jean ZIEGLER, sociologue, internationaliste, homme		.189
	(politique (Suisse	

دکترین براندازی



رامین کامران

من با در نظر گرفتن تناسب تلفات بین معترضین و نیروهای حکومتی، طی چند توئیت به لزوم تصحیح روش مبارزه در ایران اشاره کردم و متعاقب آن برخی از دوستان از من خواستند تا مطلب را بسط بدهم و راه حلی بجویم. نگارش کتاب «براندازی نظام اسلامی» که تا به حال تعداد بسیار بسیار زیادی از آن به دست مردم رسیده، مرا در معرض چنین خواستی قرار داده است. از آنجا که استراتژی کلی کار در آن کتاب روشن شده، در اینجا به ابعاد دکترینی مسئله خواهم پرداخت. دکترین نظامی روش جنگیدن در کل را شامل میشود که بسیار وسیع است و چارچوبی کلی و انعطاف پذیر، نه رهنمود خشک و بی انعطاف و جنگاوران میباید در هر مورد با موقعیت درگیری منطبقش سازند. در برخی ارتشها، دکترین نظامی، تاکتیک را هم شامل میگردد. ولی من در اینجا به تاکتیک نخواهم پرداخت. این بخش باید از یک سو توسط مبارزانی که در میدان حضور دارند و به موقعیت و روش عمل حریف آگاهند، انجام بپذیرد و از سوی دیگر رهنمودهای کلی و جزئی که میتوان از دور و از خارج در اختیار آنها قرار داد، از طرف کارشناسان طراحی شود.

مقاله حاضر قدم اول پرداختن به دکترین است. کار دنباله خواهد داشت و نه فقط از طرف من تنها، بل با کمک دوستان متخصصی که قبول کرده اند در این راه به یاری جوانان ایرانی بیایند. برنامه داریم که هر چه زودتر ستادی برای این کار تشکیل بدهیم و حاصل کارش را به دست متقاضیان برسانیم. به هر صورت به همه این اطمینان را میدهم که ما، در ایران لیبرال، از هیچ کاری که از دستان بر بیاید، برای یاری به جوانانی که با این تهور کمر به مبارزه با نظام بسته اند، از خطر باک ندارند و تا به حال قربانیان بسیار در راه آزادی میهن داده اند، کوتاهی نخواهیم کرد.

خود شما دریافته‌اید که دارید با نظام می‌جنگید، کارشناسان هم نبرد فعلی را جنگی بین ملت و حکومت میدانند. اول چیزی که باید روشن کرد این است که ما در چگونه جنگی شرکت جسته ایم. چیزی که در راه است انقلاب است و این جنگ از نوع جنگهای انقلابی است. در این نوع جنگها دو ارتش منظم در برابر یکدیگر صف نمیکشد. انقلاب، بر خلاف جنگهای کلاسیک، با نیروی نسبه شروع میشود. نیرویی که در صورت درست بودن روش و همراهی مردم، به تدریج نقد میشود و میتواند به حدی برسد که از نیروی مستقر دولتی پیشی بگیرد.

باید ماهیت جنگی را که در پیش گرفته ایم بشناسیم. این جنگ سیاسی و اساساً ایدئولوژیک است. اگر با حکومت اسلامگرا درگیری داریم و میخواهیم از میانش برداریم برای این است که با چارچوب فکری و ارزشهایی که به ملت ایران تحمیل کرده است، مخالفیم و میخواهیم با آنچه که خود درست و ارزشمند میدانیم جایگزینشان کنیم. هدف جنگ هم پیروزی ایدئولوژیک است نه فرضاً به دست آوردن امتیازات اقتصادی یا چیزی از این قبیل. این عامل تعیین کنندهٔ چند و چون جنگ است و بی اعتنایی به آن راه به شکست میبرد. یادآوری کنم که این «دعوا بر سر قدرت» نیست. دعوا بر سر قدرت بین اصولگرایان و اصلاح طلبان جریان دارد که تابع ایدئولوژی واحد هستند و اگر بخواهیم مبارز را خود را به این حد فروبکاهیم، در جرگه گروه اخیر قرار خواهیم گرفت. ممکن است بگوییم که خوب فقط میتوان بر سر قدرت دعوا داشت. فرض این کار آسان است و پیدا کردن مصداق بسیار مشکل. قدرت عنصر شیمیایی نیست که بتوان در قوطی نگه داشت، وقتی وجود دارد که به کاری بیاید و کاری که قدرت سیاسی بدان میاید، توسط ایدئولوژی معین میشود. قدرت از خودش هدف ندارد و تعریف هدف سیاسی تابع ایدئولوژی است.

سپس باید به شناخت نیروها بپردازیم. نیروهایی را که درگیر جنگ میشوند به دو دسته تقسیم میکنند: مادی و معنوی. نیروهای مادی عبارت است از نیروی انسانی و انواع سلاح و ملزومات و نیروهای معنوی افکار و اعتقاداتی هستند که فرد را به مبارزه برمیانگیزند و به پایداری و دادن هزینه وامیدارند. اراده را متوجه به هدفی مینمایند، تقویتش مینمایند و از خاموش شدن آن جلوگیری میکنند.

در نقطه شروع کار، تعادل نیروها به این ترتیب است که حریف از بابت نیروی مادی بسیار از ما جلوتر است. ارتش و سپاه و بسیج از بابت شمار و امکانات و کارآیی، با نیروهای مردمی قابل مقایسه

نیستند. ولی جبهه حکومت از بابت نیرو های معنوی، از همان روز اول انقلاب به تدریج ضعیف و ضعیف تر شده و در مرتبه ای بسیار پایین تر از ملت قرار گرفته است و پایینتر هم خواهد رفت تا بالاخره به کلی نابود شود. ما کلاً از بابت نیروی معنوی در موضع قدرت هستیم و این در کارزار پیش رو به تمام معنا تعیین کننده است. همه گیر شدن برنامه و افکار و طرح عمل ماست که روز به روز مردم بیشتری را به میدان خواهد آورد و ریزش در جبهه مقابل را افزایش خواهد داد و در نهایت کمر حریف را خواهد شکست.

ایدئولوژی حکومت مدتهاست که از حیز انتفاع افتاده است و توان بسیجش، در مقایسه با ابتدای روی کار آمدن، به حدی بسیار پایین رسیده است. در مقابل، ما وعده آزادی و امنیت و رفاه میدهیم و بخصوص کوتاه کردن دست مذهب از سیاست که برای مردم بسیار جذاب است. نیروی ما در این زمینه برتر است ولی هنوز امکاناتش به درستی از قوه به فعل نیامده است. اراده خلاص شدن از رژیم فعلی قوی و همه گیر است. اینرا میتوان هدف اولیه یا آماج خواند، ولی هدف اصلی و نهایی که ورای سقوط رژیم قرار دارد، هنوز به طرزی روشن از سوی مخالفان پذیرفته و عرضه نشده است. وقتی این کار شد و توجه و پشتیبانی مردم جلب گردید، نیروی معنوی ما به حد اکثر خواهد رسید و دشمن را از پا خواهد انداخت.

در جنگ و بخصوص انقلاب و جنگ انقلابی، نیرو های معنوی اصل است، به قول کلاوسویتز که سالها با ارتش ناپلئون جنگیده بود، نیرو های مادی دستچوبین شمشیر است ولی نیروهای معنوی تیغه ایست که میبرد. برتری در این زمینه کارساز است و از آن ماست. با در نظر گرفتن اینکه مضاف طولانی خواهد بود، حفظ و تقویت این نیرو ها حیاتی است. دستکمشان نگیرید و تصور نکنید که اینجا میدان تئوری و حرف است و میدان عمل جای دیگری است، اینجا میدان عمل است و ای بسا میدان اصلی. در مبارزه باید نقطه قوت خود را با نقطه ضعف حریف در بیاندازیم، نه برعکس.

در شرایط عدم تعادل نیرو های مادی، ما نمیتوانیم در نبردی که در پیش داریم به طریق کلاسیک و با صفبندی منظم نظامی یا شبه نظامی عمل بکنیم. چنین کاری در حکم خودکشی خواهد بود. پس باید کلاً روش پارتیزانی را به کار بندیم و به حملات غیر مستقیم دست بزنیم. اگر بخواهم دقیق صحبت کنم باید بگویم روش چریکی، چون پارتیزانها فقط به عملیات ایزدایی میپردازند، ولی از آنجا که حکایت مبارزات چریکی در ایران، هم تلخ است و هم بی عاقبت و

از این گذشته فکر مبارزات مسلحانه را به ذهن متبادر میکنند، به کاربرد همان اصطلاح پارتیزانی اکتفا میکنم. باید عملیات را با کمترین هزینه پیش ببریم. باید نیرو های خود را غافلگیرانه در نقاطی متمرکز کنیم که حریف کمترین توانایی را دارد و بعد از زدن ضربه به سرعت پراکنده بشویم. باید جایی ضربه زد که حریف به هر دلیل، انتظارش را ندارد. عقب نشینی به موقع را نباید معادل فرار گرفت چون خودش جزو برنامه کار است، اگر هم حریف به آن چنین نامی داد، نباید اعتنا کرد. راه عقب نشینی و حتی فرار را باید از ابتدا در نظر داشت و ترجیحاً بیش از یک راه را. بکوشید تا هیچگاه به تنگنا نیافتید. به همین نسبت باید مانور حریف را مشکل کرد و اگر شد فلجش نمود. یادآوری بکنم که این کار جنگ چریکی به معنای معمول نیست و جنگ داخلی هم نیست، چیز دیگریست. جنگ چریکی مسلحانه است و جنگ داخلی رو در رویی دو ارتش. ما نه ارتشی داریم و نه قرار است از سلاح استفاده کنیم.

اضافه کنم که غافلگیر کردن حریف برای پارتیزانها بسیار آسانتر است تا نیرو های منظم ارتشی، چون نرمش عملیاتی بیشتری دارند، در حدی که هیچ ارتشی نمیتواند به پایش برسد. کلوسویتز که در جایی نوع حرکت این دو گروه را با هم مقایسه کرده است میگوید ارتش مثل دست عروسک مکانیکی حرکت میکند و گروه پارتیزانی مثل دست آدمیزاد. تحرک سریع هم خصیصه دیگر کار پارتیزانی است. نیرو های منظم باید برای هر کارشان از دستور العمل مشخص پیروی کنند و هر حرکت را طبق قاعده انجام بدهند. پارتیزانها، برعکس، دستشان باز است.

انقلاب بدون تظاهرات و احیاناً درگیری معترضان با نیروهای انتظامی نداریم و نباید تصور کرد که مبارزه پارتیزانی ما را از تظاهرات و فشار جمعیتی بی نیاز خواهد کرد. ولی نباید هم از یاد برد که تظاهرات در معرض واکنش خشن نیروهای انتظامی است و قرار دادن مردم در برابر نیروهای مسلح کاری نیست که بتوان سرسری انجام داد. نتیجه این نوع سهل انگاری را به تجربه میشناسید. حفاظ اصلی تظاهرات، شمار شرکت کنندگان است. این شمار هر چه بزرگتر، امکان واکنش نیرو های مقابل کمتر. نمونه اش را در جنبش سبز دیده ایم. وقتی تظاهرات خیلی بزرگ باشد، نیرو های انتظامی فلج میشوند. ما نقداً امکان ترتیب دادن چنین تجمعاتی را نداریم و باید موقعی از این وسیله استفاده کنیم که بتوانیم تعداد بسیار زیادی از مردم را به خیابان بکشیم. تصمیم به رویارویی

مستقیم تصمیم خطیری است و باید با بیشترین دقت اتخاذ شود. هدف کار پارتیزانی آماده کردن زمین^۱ این کار است.

پیروزی در جنگ پارتیزانی مشروط است به پشتیبانی مردمی. اگر این نباشد، کار به جایی نمیرسد. خوشبختانه ما میتوانیم به طور جدی روی این عامل حساب کنیم. ولی این پشتیبانی باید تا حد امکان منظم بشود. اول از همه باید طرح کلی کار را به اطلاع مردم برسانیم و توقعاتی را که از آنها داریم، روشن سازیم و در عین حال بگوییم که گوش ما برای شنیدن پیشنهاد باز است. به یآوری داوطلبان^۲ مردم مطمئنیم، ولی بسیار بهتر خواهد بود که هم آنها بدانند که چه توقعاتی از ایشان داریم و هم ما بدانیم چه انتظاراتی میتوانیم از آنها داشته باشیم. باید مردم را برای کمک رساندن آماده و تجهیز کرد.

جنگی که ما شروع کرده ایم، جنگی فرسایشی است. قبلاً هم چند بار به این مسئله اشاره کرده ام که دوی مارا تن است نه دوی صد متر. باید از نظر روانی برای آن آماده بود، چون حاجت به پایمردی جدی دارد و نباید از نفس افتاد. برخی معتقدند که ایرانیان تاب مبارزات طولانی را ندارند و زود مأیوس میشوند. من اعتقادی به این حرف ندارم و اگر درست هم باشد، باید عکسش را در عمل به همگان ثابت کرد. پیروزی ما در گرو این کار است. باید به هدف چشم دوخت نه به ساعت.

با پیشروی جنگ پارتیزانی ما، نیروهای حریف بیش از پیش دچار ریزش خواهند شد، یعنی از صرافت جنگیدن خواهند افتاد و این روند است که باید تشدید و تسریع کرد. پیروزی از انتهای این جاده است که به ما لبخند میزند. میدان اصلی مبارزه اینجاست، نه جایی که کتک کاری میشود. باید توجه را به این نقطه معطوف کرد. این بخش کار، جنبی نیست، اصلی است. شکست در هر جنگ، اول باید در ذهن حریف واقع گردد تا بعد اثراتش را در میدان مشاهده کنیم. نمونه^۳ بسیار خوب این امر انقلاب پنجاه و هفت است. شکست در ذهن فرماندهان و سربازان حکومت مستقر انجام گرفت و سر آخر موجب فروپاشی رژیم شد. امروز هم ما باید اول در و بر ذهن حریف پیروز شویم. اراده اش را که نابود کنیم، سلاحش بی استفاده خواهد شد. این اراده است که هدف اصلی ضربات ماست نه این واحد و آن خودرو.

همه میدانیم که این نوع مبارزه نمیتواند از خشونت خالی باشد و باید منطقش را پذیرفت و با آن هماهنگ شد. فقط باید به چند نکته

دقت داشت. اول از همه اینکه بالا رفتن خشونت به نفع حریف است نه ما. پس باید همیشه در مهار این پدیده کوشید. درگیری طولانی است و نبود خشونت به میدان و امکانات عمل ما میافزاید. حریف است که تمایل به افزایش خشونت دارد و به دلیل برتری در این زمینه تصور میکند که بازی را به این ترتیب خواهد برد. نباید به این کار میدان داد. باید از مقابل خشونت جا خالی کرد و حریف را از نفس انداخت. توهم اینکه خشونت کار را یکسره میکند ارزانی حریف.

در جمع نمیباید ذهن خود را درگیر هیچ تصویر پیش ساخته و فکر قالبی کرد. باید با واقعبینی که البته کار بسیار سختی است، به موقعیت نگاه کرد و بر این اساس تصمیم گرفت. فکر نکنید که عملیات باید پیچیده باشد تا ثمر بدهد. مهم این است که نتیجه بدهد. دنبال پیچ و تاب رفتن، دغدغه استتیک است نه عملیاتی.

در نهایت اینرا نیز هیچگاه فراموش نکنید که هدف از جنگ صلح است، نه برعکس. ما صلحی میخواهیم که منطبق با آرمانها و ارزشهایمان باشد، ولی حریف امروزین که حریف است نه دشمن، در صلحی که در پی خواهد آمد و باید دمکراتیک باشد، جا خواهد داشت. هدف پیروزی است، نه از میان برداشتن حریف. آنچه باید از میان برداشته شود، نظام اسلامی است نه اجزایش.

برگرفته از سایت ایران لیبرال

۱۰ ژانویه ۲۰۲۳، ۲۰ دی ۱۴۰۱